

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور

مرکز تهران جنوب
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

اقتباس و تلمیح در صد قصیده از دیوان ناصر خسرو

نگارش :

فقیهه دهقان

استاد راهنما :

دکتر فاطمه توکلی رستمی

استاد مشاور:

دکتر مرتضی حاجی مزدرانی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دی ماه ۱۳۹۱

تقدیم

به پدرم

ای پدر از تو هرچه می گویم باز هم کم می آورم، خورشیدی شدی.
و از روشنائی ات جان گرفتم و در ناامیدی ها نازم را کشیدی و لبریزم کردی از شوق.
اکنون حاصل دستان خسته ات رمز موفقیتیم شد.
به خودم تبریک می گویم که تو را دارم و دنیا با همه بزرگیش مثل تو را ندارد.

و مادرم

و تو ای مادر، ای شوق زیبایی نفس کشیدن ای روح مهربان هستی ام
تو رنگ شادی هایم شدی و غصه ها را با تمام وجود از من دور کردی.
عمری خستگی ها را به جان خریدی.
تا اکنون توانستی طعم خوش پیروزی را به من بچشانی.

و به همه کسانی که لحظه ای بعد انسانی و وجدانی خود را فراموش نمی کنند و به آستان
گران سنگ انسانیت سر فرود می آورند و انسان را به همه تفاوت هایش ارج می نهند.

تشکر و سپاس

« منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قر بت است و به شکر اندرش مزید نعمت ، هر نفسی که فرو رود ممد حیات است و چون برآید مفرح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.»

اکنون که با یاری خداوند مهربان تدوین این پایان نامه به اتمام رسیده بر خود لازم می دانم از تمامی دوستان و اساتید و بزرگوارانی که در این راه از ابتدا تا انتها به نحوی در گردآوری مطالب و تنظیم این پایان نامه مرا یاری رساندند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

تشکر و قدردانی می کنم بویژه از استاد ارجمند سرکار خانم دکتر فاطمه توکلی رستمی ، استاد راهنمای پایان نامه که در تمام مراحل با صبر و حوصله فراوان پاسخگوی سوالات بنده بودند و بدین وسیله مرا مرهون الطاف خویش فرمودند و همچنین جناب آقای دکتر مرتضی حاجی مزدرانی که به عنوان استاد مشاور، بنده را در تنظیم این پایان نامه یاری کردند .

تشکری ویژه و خالصانه دارم از تک تک اعضای خانواده ام، که با صبر و بردباری در این مدت نه چندان کوتاه، تحمل نموده و مشوق و نیز در بسیاری از موارد راهنمایم بودند.

در پایان امیدوارم صاحب نظران و خوانندگان، لغزش ها و کاستی هایی را که در این مجموعه آمده است با دیده ی اغماض و بلند نظری بنگرند و ببخشند و نکاتی را که به نظرشان می رسد، گوشزد نمایند تا ان شاء الله در فرصتی دیگر جبران نمایم.

چکیده

فنون بلاغی با توجه به زیبایی و ایجازی که در آثار ادبی به وجود می آورند، همواره مورد توجه بوده اند و می توانند ارزش اثر ادبی را فزونی بخشند. از این رو آموزش آسان این علوم بیشترین تاثیر را در غنای آثار ادبی نسلهای بعد دارد. چرا که هر قدر این مطالب ساده تر آموزش داده شود بهتر در ذهن خوانندگان جای می گیرد و در آثار خود بفرح و احسن می توانند از آنها بهره ببرند. آرایه تلمیح و اقتباس از نمونه این اصطلاحات ادبی اند که به دلیل پراکندگی نظرات مختلف در مورد آن ها مورد توجه قرار گرفتند. هدف از این تحقیق تفکیک مرز مشخصی بین این دو آرایه ادبی است تا از آشفتگی اصطلاحات ادبی که در مورد این دو اصطلاح وجود دارد کاسته شود. برای رسیدن به این هدف شروع به بررسی نظرات علمای بلاغی از قرن پنجم هجری تا دوره معاصر نمودم، در طی تحقیقات آرایه های دیگری هم نظرم را جلب کرد که به نوعی با این دو ارتباط داشتند. بنابراین ابتدا اتهام سرقت ادبی را که در مورد آنان مطرح شده بود با دلایل و مستندات رفع نمودم و سپس این دو و تعاریفشان را از هم تفکیک نمودم و در یک دسته بندی جدید و زیرمجموعه استشهاد جای دادم تا فهم آن برای دانش آموزان راحت تر باشد. سپس با توجه با این نظرات جدید به بررسی صد قصیده نخست دیوان ناصر خسرو پرداختم و مصادیق تلمیح و اقتباس را مشخص نمودم و ضمن بیان ابیات به توضیحات کوتاهی در مورد آنها پرداختم.

واژگان کلیدی: تلمیح، اقتباس، ناصر خسرو، قصیده

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۳	کلیات.....
۶	بخش اول، مبانی نظری.....
۷	فصل اول: معرفی ناصر خسرو.....
۱۴	فصل دوم: تلمیح.....
۱۶	گفتار اول: معنای لغوی تلمیح.....
۱۸	گفتار دوم: معنای اصطلاحی تلمیح.....
۲۲	گفتار سوم: الحاقات.....
۲۴	گفتار چهارم: استنتاجات.....
۳۲	فصل سوم: اقتباس.....
۳۴	گفتار اول: معنای لغوی اقتباس.....
۳۵	گفتار دوم: معنای اصطلاحی اقتباس.....
۳۸	گفتار سوم: الحاقات.....
۴۱	گفتار چهارم: استنتاجات.....
۴۸	فصل چهارم: یافته ها و نتایج.....
۴۹	گفتار اول: تعاریف مشابه.....
۶۰	گفتار دوم: تفاوتها (اقوال دیگران).....
۶۲	گفتار سوم: سرقتهای ادبی.....
۷۰	گفتار چهارم: استنتاجات.....
۸۵	گفتار پنجم: الحاقات.....
۹۱	نتیجه گیری.....
۹۳	بخش دوم، مصادیق و ابیات.....
۹۵	فصل اول: تلمیحات.....
۱۲۸	فصل دوم: اقتباسات.....
۱۹۲	فهرست منابع و مآخذ.....

فهرست جداول، نمودار، اشکال و علایم

صفحه	عنوان
۸۵	جدول شماره ۱ تلمیح
۸۶	جدول شماره ۲ اقتباس
۸۷	جدول شماره ۳ تضمین
۸۸	جدول شماره ۴ تفکیک آرایه های فوق
۸۸	جدول شماره ۵ سرقت های ادبی
۸۹	نمودار تلمیح
۸۹	نمودار اقتباس
۹۰	نمودار تضمین
۹۰	نمودار استشهاد
۱۹۱	نمودار پراکندگی تلمیح و اقتباس در صد قصیده نخست

مقدمه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

« فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا
لَعَلِّي آنِيكُم مِّنْهَا بَخْبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ » : (سوره قصص / آیه ۲۹)

آنگاه که موسی عهد خدمت به پاملان رسانیده و با اهل بیت خود از حضور شعیب رو به دیار خویش کرد آتشی از جانب طور دید به اهل بیت خود گفت شما در اینجا مکث کنید که از دور آتشی به نظرم رسید می روم تا شاید خبری از آن بیاورم یا برای گرم شدن شما شعله ای برگیرم.

اصطلاحات ادبی برای اینکه آموزش داد ه شوند باید به زبان ساده و شیوا مطرح شوند تا یادگیرندگان علاقمندانه بیاموزند ، چون این اصطلاحات تا حدی سخت تشخیص داده می شوند . برای سهولت در تعلیم و تعلم و آموزش دادن و فراگیری بهتر اصطلاحات ادبی بر آن شدم تا با امعان توجه و دقت در کتب بلاغی و نظریات مختلف و استمداد از اندیشه صاحبان نظران به بازنگری و تفکیک اصطلاحات بلاغی پردازم.

در طی این مطالعات در مورد دو اصطلاح تلمیح و اقتباس در کتب ادبی اصطلاحات ادبی دیگری را مشاهده نمودم که با توجه به تعاریف ارائه شده از آنها به نوعی با اصطلاحات مورد نظر در این پایان نامه در ارتباط بودند و به این ترتیب نه تنها مرزهای این دو اصطلاح در هم شکسته می شود ، بلکه نظرات جدیدی نیز حاصل می شود که در طی پایان نامه ذکر می گردد.

با حفظ احترام پیشکسوت بودن برخی از نویسندگان ، ذکر این نکته ضروری است که هر کدام از نویسندگان گوشه ای از کار را می دانسته اند و در تمام موارد تحقیقات کلی انجام نداده اند . هرچند بزرگان بلاغت بمطالعه و بررسی آثار پرداخته و از نظرات دیگران نیز آگاه بوده اند اما فقط گوشه ای از کار را بیان نموده اند و به غربالگری در این اصطلاحات پراکنده و آشفته بازار اصطلاحات ادب ی پرداخته اند و فقط به ذکر نظرات دیگران اکتفا نموده و گاه خود نیز نظری بیان نموده اند .

علوم بلاغی با توجه به گستردگی که دارند خود بخود آموزش آنها به دانش آموزان دبیرستانی تا حدی سنگین می باشد ، حال اینکه این پراکندگی اقوال و نظرات هم به خودی خود سختی کار را بیشتر می سازد. به این سبب تصمیم بر آن شد ابتدا نظرات مختلف بررسی شود و سپس نظر واحدی

بیان شود تا این آشفتگی در اصطلاحات تا حدی از بین برود. به همین منظور به مطالعه آثار بلاغی از قرن پنجم تا دوره معاصر پرداخته شد و کلیه نظرات مورد بررسی قرار گرفت و بنا بر آن شد تا با صرف دقت کامل در نتایج به دست آمده، به انسجام و سامان دهی تعاریف بپردازم تا به این وسیله آموزش این علوم به شیوه ای آسان باشد و این سردرگمی که اکنون در مطالعه علوم بلاغی به آن دچار هستیم، رفع گردد و به نتیجه ای مستدل و مقبول برسیم.

نکته جالب در این بررسی ها پراکندگی اقوال بود که به نظر می رسد، هر نویسنده ای ضمن توجه به نظر دیگران خود نیز نظر جدیدی ارائه می نموده و همه این نظرات مطرح شده و کسی در مورد آنها به بررسی نپرداخته است.

این پایان نامه به بررسی دو اصطلاح تلمیح و اقتباس در زمینه ریشه کلمات و معنی لغوی و معنی اصطلاحی پرداخته است. در طی این بررسی همانطور که قبلاً ذکر شد به اصطلاحات جدیدی برخوردیم که به نظرم نوعی ارتباط با این دو اصطلاح داشتند و در مورد آنها هم بررسی هایی انجام شد و در نهایت در مورد تعاریف این اصطلاحات با توجه به اقوال دیگران و تا حدی نظرات خودم تعریف واحدی را بیان نمودم و اصطلاحات فوق را در یک دسته بندی جدید جای دادم. در این پایان نامه دو بخش تعیین شده و بخش اول شامل مبانی نظری می باشد که در پایان فصل اول نتایج ذکر شده و در بخش دوم با توجه به نتایج حاصل شده در بخش اول به بررسی صد قصیده اول دیوان ناصر خسرو پرداختم و مصادیق تلمیح و اقتباس را مشخص و به طور جداگانه بیان نمودم. در پایان نیز نگاه آماری و نموداری از نظر دور نگشته و در مورد هر کدام از اصطلاحات جدول و نمودار طراحی و دسته بندی جدید نیز در نموداری ذکر شده است.

کلیات

تعریف مساله و بیان سوال‌های اصلی تحقیق

با توجه به تعاریفی که از کتب معانی و بیان در باب تلمیح و اقتباس به دست آمده در تعریف این دو اختلافاتی وجود دارد و مرزبندی مشخصی بین این دو مفهوم وجود ندارد و در باب تعریف اقتباس و تلمیح اجماع نظر وجود ندارد و می‌خواهیم به یک اجماع برسیم. با توجه به این اختلافات در تعاریف، نیاز به چنین تحقیقی بیشتر احساس می‌شود. از این روی نویسنده لازم دید که با مراجعه به منابع مختلف ضمن بیان تعریف این دو مفهوم به صورت جداگانه، ابهامات در تعاریف را برطرف سازد تا بتوان به یک اجماع دست یافت و در مرحله دوم مصادیق این دو مفهوم را در صد قصیده نخست از دیوان ناصر خسرو به صورت جداگانه مشخص نمایم.

سوالات تحقیق

با توجه به مطالب مطرح شده در فوق، سوالات اصلی تحقیق به قرار زیر است:

- ۱- با توجه به اختلافات در تعاریف تلمیح و اقتباس، آیا امکان دارد تعریف جامعی برای این دو مفهوم به دست بیاید و مرز میان این دو مشخص شود؟
- ۲- در صد قصیده اول دیوان ناصر خسرو، موارد اقتباس و انواع زیر مجموعه آن به چه صورتی است؟ و به عبارتی دیگر اقتباس به چه معنی است؟
- ۳- در صد قصیده اول موارد تلمیح به چه صورتی است؟ و به عبارتی دیگر تلمیح به چه معنی است؟
- ۴- بسامد تلمیح و اقتباس در صد قصیده اول دیوان ناصر خسرو چه میزان است؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در بررسی‌هایی که نگارنده پیرامون مطالعات و تحقیقات انجام شده درباره موضوع فوق انجام داد به موارد زیر برخورد نمود. در این موضوع کارهای زیر انجام شده:

- تلمیحات و اشارات در پنجاه قصیده ناصر خسرو، علیرضا سیاه سرانی، دانشگاه پیام نور تهران، بهمن ۱۳۸۷.

در این پایان‌نامه نگارنده ابتدا پنج صفحه درباره زندگی ناصر خسرو توضیح داده و چهار صفحه را هم به معرفی تلمیح اختصاص داده و بعد در پنجاه قصیده ابیاتی را که تلمیح دارند آورده و به توضیحاتی در مورد آنها اکتفا نموده است.

- فرهنگ اشارات و تلمیحات ناصر خسرو از قصیده ۲۰۰ تا آخر، طیبه پیوندی، دانشگاه پیام نور تهران، تابستان ۱۳۸۹.

در این پایان نامه نگارنده ابتدا چهار صفحه درباره زندگی ناصر خسرو توضیح داده و پنج صفحه را هم به معرفی تلمیح اختصاص داده و بعد در قصاید ۲۰۰ به بعد ابیاتی را که تلمیح دارند آورده و بعد کلماتی را که تلمیح دارند نوشته و به توضیحاتی در مورد آنها پرداخته است.

- در بقیه قصاید این بررسی انجام شده و صد قصیده باقی مانده است.
ناصر خسرو به دلیل اینکه یکی از بزرگان شعر و ادب فارسی است و شاعری است که از شعر در خدمت نشر بنیادهای فکری و فلسفی اسلامی و اسماعیلیه استفاده کرده است.

لازمه آشنایی با این مبانی فکری و فلسفی در گرو آشنا شدن با شگردهای بلاغی است که ناصر خسرو با کمک آن ها کلام خودش را تاثیر گذار کرده است و از زمره این شگردها اقتباس از آیات و احادیث و تلمیح به امثال و حکم و قصص می باشد.

فرضیه‌ها

۱- تلمیح از اقتباس متفاوت است، هرچند در کتاب معانی و بیان بین این دو مرز مشخصی وجود ندارد و تا حدی باهم آمیخته شده اند.

۲- در صد قصیده اول دیوان ناصر خسرو، اقتباس از آیات و احادیث و وجود دارد که جداگانه مشخص شده اند.

۳- در صد قصیده اول دیوان ناصر خسرو تلمیح به قصه‌ها و مثلها وجود دارد که جداگانه مشخص شده اند.

۴- ناصر خسرو شاعری سنت گرا است به همین خاطر باید در اشعارش از تلمیح و اقتباس بسیار استفاده کرده باشد.

هدف‌ها

- بیان تعریف جامع از اقتباس و تلمیح با مشخص نمودن مرز میان این دو.

- بیان این نکته که ناصر خسرو در سرودن قصاید خود به آیات قرآن و احادیث و قصه‌ها و مثلها بی توجه نبوده است.

- بررسی بسامد تلمیح و اقتباس در صد قصیده اول دیوان ناصر خسرو.

جامعه آماری و تعداد نمونه

صد قصیده اول دیوان ناصر خسرو.

روش کار

در این پایان نامه دو بخش پیش بینی شده است که به ترتیب زیر می باشد.

بخش اول، مبانی نظری و بخش دوم، مصادیق و ابیات.

بخش اول به چهار فصل تقسیم می شود .

فصل اول : معرفی ناصر خسرو.

فصل دوم : تلمیح، در چهار گفتار . معنای لغوی، معنای اصطلاحی، الحاقات، استنتاجات .

فصل سوم : اقتباس ، در چهار گفتار . معنای لغوی، معنای اصطلاحی، الحاقات، استنتاجات .

فصل چهارم : یافته ها و نتایج ، در پنج گفتار . تعاریف مشابه، تفاوتها، سرقتهای ادبی، استنتاجات،

الحاقات .

بخش دوم به دو فصل تقسیم می شود.

فصل اول : تلمیحات.

فصل دوم : اقتباسات .



بخش اول

مبانی

نظری

فصل اول
معرفی
ناصر خسرو
قبادیانی



Насири Хусрао - Nosiri Khusrav

ناصر خسرو قبادیانی

ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی	نام اصلی
حکمت، فلسفه، شعر، ادب	زمینه کاری
ایرانی	ملیت
۹ ذیقعده ۳۹۴ قمری ۳ سپتامبر ۱۰۰۴ میلادی ۱۲ شهریور ۳۸۳ خورشیدی	زادروز
قبادیان، بلخ، تاجیکستان کنونی	
۴۶۷ خورشیدی	مرگ
۴۸۱ قمری ۱۰۸۸ میلادی	
یمگان، بدخشان؛ افغانستان کنونی	
بلخ، مرو، قاهره، بدخشان	جایگاه زندگی
دره یمگان در بدخشان افغانستان	جایگاه خاکسپاری
غزنویان، سلجوقیان، فاطمیان مصر	در زمان حکومت
حجت؛ سید شاه ناصر خسرو؛ پیر کوهستان	لقب
شاعر، نویسنده، فیلسوف	پیشه
وجه دین؛ سفرنامه؛ جامع الحکمتین؛ زادالمسافرین؛ خوان الاخوان؛ روشنایی نامه؛ سعادت نامه؛ دلیل المتحییین و چند اثر دیگر	کتابها
دیوان اشعار پارسی و دیوان اشعار عربی	دیوان سروده‌ها
ناصر	تخلص
سفرنامه نویسی، اشعار	دلیل سرشناسی
سایت ویکی پدیا	

زندگی ناصر خسرو

ناصر خسرو [ص ر / ز خ ر / زو] (حکیم) ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی مروزی، ملقب و متخلص به «حجت» و مکنی بف «ابومعین». از شاعران قوی طبع و قصیده سرایان گران قدر زبان فارسی است. وی در ماه «ذی القعدة» سال ۳۹۴ هجری قمری مطابق با تیر یا مرداد سال ۳۸۲ هجری شمسی در «قبادیان» از نواحی بلخ در خانواده محتشمی که ظاهراً به امور دولتی و دیوانی اشتغال داشته اند متولد گشت. از ابتدای جوانی به تحصیل علم و ادب پرداخت و تقریباً در تمام علوم متداوله عقلی و نقلی آن زمان و مخصوصاً علوم یونانی از ارثماطیقی و مجسطی بطلمیوس و هندسه اقلیدس و طب و موسیقی و بالخصوص علم حساب و نجوم و فلسفه و همچنین در علم کلام و حکمت متألهین تبحر پیدا کرد. ناصر خسرو در اشعار خویش و سفرنامه و سایر کتب خود مکرر به احاطه خود به این علوم و مقام عظیم فضل و دانش خود اشاره میکند:

به هر نوعی که بشنیدم ز دانش نشستم بر در او من مجاور

نماند از هیچگون دانش که من زان نکردم استفادت بیش و کمتر

در جوانی هم به دربار سلاطین و امرا راه یافت و به مراتب عالی رسید و چنانکه در سفرنامه آورده است، به پادشاهانی چون «سلطان محمود غزنوی» و پسرش «مسعود» تقرب جست و تا سن ۴۳ سالگی که عزم سفر قبله کرد در خدمات مهم دینی از قبیل دبیری و دیگر مشاغل دولتی صاحب عنوان بوده و پس از آن که مدتی از عمر خود را در کسب علوم متداول زمان و خدمت امرا و شاهان روزگار و کسب جاه و مال و احیاناً لهو و لعب گذراند، تغییر حالی در وی پیدا شد و به تحری حقیقت تمایل گشت و چون از مباحثات اهل ظاهر بوی حقیقتی نشنید، سر به آوارگی و سیر آفاق و انفس نهاد و سرانجام بر اثر خوابی که در ماه «جمادی الاخر» سال ۴۳۷ در «جوزجانان» دید عزم سفر قبله کرد، در این سفر برادر کوچکترش «ابوسعید» و غلامی هندی همراه او بودند، این مسافرت هفت سال [از ۴۳۷ تا ۴۴۴] مدت گوشت و در ضمن آن ناصر خسرو چهار بار به زیارت خانه خدا توفیق یافت و «شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان و آسیای صغیر و حلب و طرابلس و شام و سوریه و فلسطین و جزیره العرب و مصر و قیروان و نوبه و سودان را سیاحت کرد»، در اثنای همین سیر و سیاحت ها چون به مصر رسید، قرب سه سال در آنجا مقام کرد و به وساطت یکی از نقبای فاطمی، به خدمت خلیفه فاطمی «المستنصر بالله ابوتیمیم معدبن علی» [۴۲۷-۴۸۷ هجری قمری] رسید و به مذهب اسماعیلیه و طریقت فاطمیان گروید و از مومنان متعصب آن مذهب شد و پس از سیر درجات باطنیه از مراتب مستجیب و م اذون و داعی، به مقام

حجتی رسید و یکی از حجت های دوازده گانه فاطمیان در دوازده جزیره نشر دعوت یعنی، «حجت جزیره خراسان» شد و به امر المستنصر با الله امام فاطمی زمان ، مأموریت دعوت مردم به طریقه اسماعیلیه و بیعت گرفتن از مردم برای خلیفه فاطمی در ممالک خراسان و سرپرستی شیعیان آن سامان بدو محول گشت و روانه خراسان شد و در دیار خویش بلخ فرود آمد و شیوه زهد و عبادت اختیار کرد و به نشر دعوت پرداخت و داعیان و مآذونان به اکناف ممالک وسیع خراسان فرستاد تا مردم را به مذهب شیعه اسماعیلیه دعوت کنند و خود چنان در نشر دعوت و مباحثه با علمای اهل سنت پافشاری کرد که سرانجام به تبعید و فرارش از بلخ منجر گشت مدت اقامت حکیم در بلخ به دقت معلوم نیست . قدر مسلم اینکه وی هنگام ورود به بلخ یعنی به سال ۴۴۰ پنجاه سال تمام از عمرش گذشته بوده است و فرار او از بلخ نیز قبل از سال ۴۵۳ بوده است، چرا که وی در این سال کتاب « زادالمسافرین » خود را تصنیف کرد و در آن اشاراتی به تبعید خود از بلخ دارد. فرار ناصر خسرو از بلخ یا نفی بلد و اخراج او از این شهر به طوری که گفته شد، نتیجه مجاهدات تعصّب آمیزی بوده است که وی در نشر و ترویج مذهب اسماعیلی از خود ظاهر می ساخته و با توجه بدین واقعیّت که مردم خراسان در آن روزگار دشمنان سرسخت شیعه و به خصوص شیعه هفت امامی بودند می توان حدس زد که اگر حکیم از چنگ متعصّبان بلخ جانی به سلامت برده است تنها به پاس مقام فضل و علم و حکمت وی بوده است و گویا وی قبل از فرار کردن از بلخ ، مدتی هم در آن دیار مخفی می زیسته است و پس از آن هم مدّتی متواری بوده است . باری وی چون از بلخ فرار و به اصطلاح خودش مهاجرت کرد به مازندران رفت. در این بیت بدین مهاجرت اشارتی دارد:

برگیر دل ز بلخ و بنه تن زبهر دین
چون من غریب و زار به مازندران درون .

مدّت اقامت وی در مازندران و همچنین شهر محل اقامتش به درستی معلوم نیست و به روایت دولتشاه از مازندران به نیشابور رفت و پس از آن شاید بر اثر تمایلی که به خراسان داشت و هم به جهت در امان ماندن از گزند م تعصّبان اهل سنّت به قصبه یا قلعه یم گلان روی آورد چرا که یمگان شهری حصین در میان کوهی از ولایت بدخشان بود و به دلیل سختی راههایش تسخیر آن غیر ممکن به نظر می رسید.

ناصر خسرو در یمگان اقامت گزید و از آنجا به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت تاریخ ورود او به یم گلان دقیقاً معلوم نیست اما از اشعارش پیداست که سالهای آخر عمر خود را در این پناهگاه گذرانده است و بیش از پانزده سال در آنجا ساکن بوده است و بر اثر همین اقامت طولانی و دعوت های مذهبی او در یم گلان جماعتی از اهل بدخشان به مذهب اسماعیلیه گرویدند و هنوز هم در بدخشان و نواحی مجاور آن و در خوقند و قراتکین و دیگر بلاد آن سامان اسماعیلیه وجود دارند .

باری حکیم فراری سالهای آخر عمر دور از یار و دیار و قرین غم غربت در یم گلان با حسرت و اندوه گذرانید و تقریباً در اغلب اشعاری که در این دوران سروده است به پریشانی حال خویش و رنج غریبی و دوری از بلخ و تعصّب دشمنان اشارتی دارد، چه در این زمان مردم بر او شوریده بودند و از خلیفه عباسی در بغداد و خان ترک در کاشغر گرفته تا امیر خراسان و شاه سجستان و میر ختلان همه او را دشمن می داشتند. و فقهای سری و پیروان عباسیان و عامه مردم او را رافضی و قرمطی و معتزلی می خواندند و بر سر منابر لعنش می کردند و مهدورالدمش می دانستند، در خراسان همه مردم دشمن او بودند و با همه اشتیاقی که به دیدار خراسان داشت از ترس معاندان و متعصّبان یارای معاودت به شهر و دیار خویش نداشت و عاقبت هم در یم گلان وفات یافت. راجع به تاریخ وفات حکیم اقوال مختلف است: حاجی خلیفه در کشف الظنون تاریخ وفات او را ۴۳۱ ضبط کرده است و در تقویم التواریخ ۴۸۱ و ظاهراً سال مذکور در کشف الظنون نامعقول است و رضاقلی خان هدایت در دیباچه ای که بر دیوان حکیم نوشته است، به نقل از شاهد صادق سال ۴۸۱ را سال وفات ناصر دانسته، قدر مسلم آنکه ناصر خسرو عمری طولانی داشته است، چنان که حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده عمر او را قریب صد سال نوشته است. باری سالهای ۴۷۱ یا ۴۸۱ به قبول نزدیکتر است. مزارش در یمگان است.

آثار و تالیفات ناصر خسرو

ناصر خسرو به نظم و نثر کتابها دارد، آثار منظوم او عبارت است از:

۱- **دیوان اشعار** و آن مشتمل است بر بیش از ده هزار بیت قصاید و چند قطعه و ابیات متفرقه در مواضع حکمتی و دینی و اخلاقی.

۲- **مثنوی روشنائی نامه**، مشتمل بر ۵۹۲ بیت در بحر هزج است در وعظ و پند و حکم و به ضمیمه دیوان اشعار او در تهران چاپ شده است.

۳- **سعادت نامه**، مثنوی سیصد بیتی است که به ضمیمه دیوان ناصر خسرو در تهران طبع شده است و با این بیت شروع می شود:

دلا همواره تسلیم رضا باش
به هر حالی که باشی با خدا باش.

آثار منثور ناصر خسرو نیز عبارت است از:

۱- **رساله در جواب نود و یک سوال فلسفی**.

۲- **سفرنامه**، یا مهمترین اثر منثور ناصر خسرو. این کتاب مشتمل است بر شرح مشهودات حکیم در سفر هفت ساله ای که به ایران و آسیای صغیر و شامات و مصر و عربستان کرده است.

۳ - *زادالمسافرین*، حاوی اصول عقاید حکیمانه و فلسفی ناصر خسرو است و به منظور اثبات عقاید اسماعیلیه به سال ۴۵۳ آن را حکیم در غربت و مهاجرت تالیف کرده است .

۴ - *گشایش و رهایش* هم رساله مثنوی دیگر است که ناصر خسرو در جواب سی فقره سوال و مشکلات یکی از برادران مذهبی خود تصنیف کرده است .

۵ - *خوان الاخوان* یا *خوان اخوان* .

۶ - *وجه دین* یا *روی دین* یکی دیگر از آثار مثنوی مذهبی ناصر خسرو است ، در شرح و تئویل عبادات و احکام شریعت اسماعیلیه .

۷ - *جامع الحکمتین*، یکی دیگر از کتب مثنوی ناصر خسرو است . وی این کتاب را در شرح و پاسخ قصیده «خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی» و به خواهش «عین الدوله ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث» امیر بدخشان به سال ۴۲۶ نگاشته است .

شیوه سخن ناصر خسرو

زبان این شاعر قریب به زبان شعرای آخر دوره سامانی است و حتی اسلوب کلام او کهنگی بیشتری از کلام شعرای دوره اول غزنوی را نشان می دهد . در دیوان اوبسیاری از کلمات و ترکیبات به نحوی که در اواخر قرن چهارم متداول بوده و استعمال می شده است به کار رفته و مثل آن است که عامل زمان، در این شاعر توانا و چیره دست اصلاً اثری بر جای ننهاده است .

خاصیت عمده شعر ناصر خسرو، اشتغال آن بر مواعظ و حکم بسیار است ، ناصر خسرو در این امر قطعاً از کسانی شاعر مروزی مقدم بر خود پیروی کرده است . در بیان مسائل حکمی ناصر خسرو از ذکر اصطلاحات مختلف خودداری نکرده است ، موضوعات علمی در اشعار او ایجاد مضمون نکرده بلکه وسیله تفهیم مقصود قرار گرفته است ، یعنی او مسائل مهم فلسفی را که معمولاً مورد بحث و مناقشه بود در اشعار خود مطرح کرده و در زبان دشوار شعر با نهایت مهارت و در کمال آسانی از بحث خود نتیجه گرفته است . ذهن علمی شاعر باعث شده است که او به شدت تحت تاثیر روش منطقیان در بیان مقاصد خود قرار گیرد، سخنان او با قیاسات و ادلای منطقی همراه و پر است از استنتاج های عقلی و به همین نسبت از هیجانات شاعرانه و خیالات باریک و دقیق شعرا خالی است .

(صفا ، ۱۳۶۶: ۴۵۴-۴۵۶)

شعر ناصر خسرو

شعرهای ناصر خسرو در سبک خراسانی سروده شده است، سبکی که شاعران بزرگی مانند رودکی، عنصری و مسعود سعد سلمان به آن شیوه شعر سروده اند. البته، شعر او روانی و انسجام شعر

عنصری و مسعود سعد سلمان را ندارد، چرا که او بیش از آن که شاعر باشد، اندیشمندی است که باورهای خود را در چارچوب شعر ریخته است. شاید او را بتوانیم نخستین اندیشمندی بدانیم که باورهای دینی، اجتماعی و سیاسی خود را به زبان شعر بیان کرده است. ناصر خسرو شعرهای خود را در قالب قصیده گفته و از غزل گریزان است. او به همان اندازه که ستایش امیران و فرمانروایان را نادرست می‌داند، غزل سرایی برای معشوقان و دلبران را نیز بیهوده می‌داند. بی‌گمان او شیفته‌ی خردورزی است و شعری را می‌پسندد که شنونده را به فکر کردن وادارد. در شعرهای خود مردم را به خردورزی فرامی‌خواند و از ستم‌کاری و یاری رساندن به ستمکاران باز می‌دارد.

من آنم که در پای خوکان نریزم
مر این قیمتی در لفظ دری را

صور خیال در شعر ناصر خسرو

خواننده‌ای که با شعر ناصر خسرو ارتباط ذهنی برقرار می‌کند، اگر بیش و کم با شعر دوره‌ی قبل و حتی شعر معاصران ناصر خسرو آشنایی داشته باشد، در آغاز چنین می‌پندارد که ناصر خسرو از نظر صور خیال شاعری چندان توانا نیست، چرا که در نخستین دیدار، اندیشه‌های بلند و خوی آزاده و جلوه‌های تعقل و حکمت در شعر او چندان هست که مجال تجلّی به صور خیال شاعرانه نمی‌دهد و این معانی بلند و طرز فکر خاص باعث آن می‌شود که خواننده با خویش بیندیشد که در دیوان ناصر خسرو از صورخیال نشانه‌ی چندان وجود ندارد اما اگر دیوان او را، گذشته از تفکرات و تداعی‌های منطقی و شور و عاطفه‌ی خاصی که دارد، مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که در شعر او عنصر خیال در اوج قرار دارد، اما از آن جا که در شعر او تفکّر و عاطفه نیز در کنار عناصر خیال همواره در حرکت است، مجال خودنمایی به صور خیال نمی‌رسد و شاید راز این نماندن صور خیال در شعر او، طرز استفاده‌ی وی از عنصر خیال باشد که بیش و کم با طرز سودجستن دیگران متفاوت است و اگر از فرخی و منوچهری بگذریم در سراسر قرن پنجم، از نظر صور خیال مستقل، شعری به پایه‌ی شعر او نیست.